

دادرسی الکترونیکی در دعاوی خانوادگی

سیدمهدی کاظمی^۱

چکیده

دادرسی الکترونیکی در یک تعریف مختصر، به استفاده از ابزارها و روش‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای طرح دعوی و انجام فرایند دادرسی از تقدیم دادخواست، ابلاغ اوراق قضایی تا رسیدگی به دعوی و دلایل، صدور رأی و اجرای آن تعریف شده است. تسریع در رسیدگی و رفع اطاله دادرسی، ایجاد دسترسی همگانی به دادرسی، کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت رسیدگی از مهم‌ترین دستاوردهای دادرسی الکترونیکی بوده است. براین اساس، امروزه بیشتر نظام‌های حقوقی در پی وضع قوانین و مقرراتی در راستای تحقق دادرسی الکترونیکی می‌باشند و در این میان، دعاوی خانوادگی نیز از این وضع بی‌بهره نبوده است. اصولی چون اصل سرعت، اصل تحصیل دلیل و اصل سازش در دعاوی خانوادگی، اهمیت کاربری شیوه‌های رسیدگی الکترونیک در محاکم خانواده را دوچندان می‌سازد. از این رو، پژوهش حاضر با شیوه توصیفی-تحلیلی به مطالعه و بررسی وضعیت نظام حقوقی ایران در خصوص کاربری ابزارهای الکترونیکی در دعاوی خانوادگی پرداخته و پس از بررسی قوانین و مقررات موجود، بدین نتیجه دست یافته که هرچند در حقوق ایران، نظام دادرسی افتراقی برای دعاوی خانوادگی پیش‌بینی نشده است، لیکن قوانین و مقررات عمومی مربوط به دادرسی الکترونیکی مشتمل بر ثبت دادخواست، ارجاع، ابلاغ اوراق قضایی، تشکیل جلسه دادرسی، دسترسی به پرونده قضایی، اخذ اظهارات شهود، استعلام‌های قضایی و اجرای احکام، علی‌الاصول در فرایند رسیدگی به دعاوی خانوادگی نیز قابل اجرا بوده و به‌طور کلی در وضعیت حاضر، دادرسی محاکم خانواده را از بین سه سیستم سنتی، نیمه‌الکترونیک و الکترونیک می‌توان در دسته دوم جای داد.

واژگان کلیدی

دعاوی خانوادگی، دادگاه خانواده، دادرسی الکترونیکی.

۱- دکتر حقوق خانواده، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

با مطرح شدن مسئله دولت الکترونیک در عصر معاصر، مقوله دادرسی الکترونیکی از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است. دادرسی الکترونیکی که در یک تعریف کوتاه به معنای کاربست ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی در فرایند رسیدگی به دعوی است، دارای دستاوردهای مهمی از جمله تسریع در رسیدگی و رفع اطاله دادرسی، ایجاد دسترسی همگانی به دادرسی، کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت رسیدگی بوده است. با این حال، چالش‌های متعددی نیز برای آن برشمرده‌اند. عمده مطالعات مربوط به دادرسی الکترونیک در حوزه دادرسی کیفری و مدنی صورت گرفته است لیکن دادرسی دعاوی خانوادگی از این حیث مستقلاً موضوع پژوهش واقع نشده است. این در حالی است که حساسیت و اهمیت رسیدگی به دعاوی خانوادگی که با حفظ کیان نهاد مقدس خانواده ارتباط دارد، اهمیت این بحث را در این حوزه روشن می‌سازد. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی، در پی دست یافتن به پاسخ این پرسش است که آیا در نظم حقوقی کنونی، امکان به‌کارگیری ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی در فرایند دادرسی محاکم خانواده وجود دارد یا خیر و اساساً نظام حاکم بر دادرسی الکترونیک دعاوی خانوادگی نظامی مستقل است یا خیر و مقاطع و مراحل دادرسی الکترونیکی در این محاکم چگونه مدیریت می‌شود؟ در این راستا، ابتدا به بیان مفاهیم دعاوی خانوادگی و دادرسی الکترونیکی پرداخته و سپس پس از تبیین تعامل دادرسی الکترونیکی با برخی اصول دادرسی خانوادگی و نظام حاکم بر این نوع دادرسی، به مطالعه موارد کاربست دادرسی الکترونیکی در دعاوی خانوادگی خواهیم پرداخت.

۱- مفهوم دعاوی خانوادگی

دعوی در لغت به معنای «خواستن، خواندن کسی را، ادعا کردن، خواهانی، ادعا، نزاع، دادخواهی» آمده (عمید، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۱۳۱) و در آثار نویسندگان حقوقی تعاریف ذیل از آن ارائه شده است: «حقی است که به موجب آن اشخاص می‌توانند به دادگاه مراجعه کنند و از مقام رسمی بخواهند که به وسیله اجرای قانون از حقوقشان در برابر دیگری

حمایت کند» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۸۰): «دعوی، عبارت از عملی است که برای تثبیت حقی صورت می‌گیرد؛ یعنی حقی که مورد انکار یا تجاوز واقع شده باشد» (متین‌دفتری، ۱۳۷۸، ص ۲۱۵): «دعوی، عملی است که برای اجرای حقی که مورد تجاوز یا انکار واقع شده است، در دادگاه انجام می‌گیرد» (صدرزاده افشار، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵): «دعوی، عکس‌العمل یا واکنش صاحب حقی است که حق او به نحوی مورد تجاوز یا انکار طرف دیگر یا خوانده دعوی قرار گرفته باشد» (واحدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۸۴): «دعوی، توانایی قانونی مدعی حق تضییع یا انکارشده در مراجعه به مراجع صالح در جهت به قضاوت گذاردن، وارد بودن یا نبودن ادعا و ترتب آثار قانونی مربوط است» (شمس، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۷۵).

در آثار نویسندگان تعریفی از مفهوم دعاوی خانوادگی به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد دعاوی خانوادگی را در سه سطح معنایی می‌توان تعریف کرد:

۱- معنای عام؛ در این معنا هر دعوایی (اعم از حقوقی و کیفری) که طرفین آن اعضای یک خانواده (اعم از خانواده گسترده یا هسته‌ای) باشند، دعاوی خانوادگی نام دارد؛ بنابراین دعاوی بین زن و شوهر یا دعاوی بین والدین و فرزندان و یا دعاوی بین خواهران و برادران ولو اینکه موضوع آن مربوط به حقوق و تکالیف خانوادگی نباشد، دعاوی خانوادگی توصیف می‌شود. ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که رسیدگی به امور خانوادگی را از اصل علنی بودن دادرسی مستثنی کرده، به این معنا نظر داشته است.

۲- معنای خاص؛ در این معنا حق پایه و موضوع دعوی، حقی است که در روابط خانوادگی شکل می‌گیرد و از حقوق و تکالیف مربوط به اعضای خانواده (اعم از خانواده گسترده یا هسته‌ای) منبعت می‌شود؛ مانند رابطه انفاق اقارب، مهریه و فسخ نکاح. در این معنا، دعاوی بین اقارب مشروط بر اینکه از حقوق و تکالیف خانوادگی آنان نشئت گرفته باشد، دعاوی خانوادگی توصیف می‌شود.

۳- معنای اخص؛ در این معنا طرفین دعاوی خانوادگی لزوماً زوجین هستند و حق پایه دعوی از حقوق مربوط به زوجیت است و در رابطه حقوقی زن و شوهر شکل می‌گیرد؛ مانند دعاوی طلاق، تمکین و مهریه. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در مواد ۱۰ و

۱۲، این معنا از دعاوی خانوادگی را مدّ نظر داشته است. ممکن است گفته شود هر دعوایی که در صلاحیت دادگاه خانواده قرار داشته باشد، دعوی خانوادگی است. لیکن این تعریف از دعوی خانوادگی دچار دور است؛ زیرا تعیین موارد صلاحیت دادگاه خانواده خود منوط به ارائه تعریفی از دعوی خانوادگی شده و به عبارت دیگر، این تعریف دعوی خانوادگی است که صلاحیت دادگاه خانواده را روشن می‌سازد. ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز که علت تشکیل دادگاه خانواده را «به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی» می‌داند، مؤید این نظر است.

۲- مفهوم دادرسی الکترونیکی

دادرسی الکترونیکی که از آن به دادگستری الکترونیکی، دادرسی دیجیتالی، دادرسی مجازی، دادرسی سایبری، دادرسی رایانه‌ای از راه دور هم تعبیر شده است، توسط اتحادیه اروپا به استفاده از ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی در حیطه دادگستری تعریف شده است (زرکلام، ۱۳۹۱، ص.۱۳۱). به عبارت دیگر، منظور از دادرسی الکترونیکی، بهره‌برداری از ابزارها و روش‌های الکترونیکی ارتباطی و اطلاعاتی برای طرح دعوی در دادگاه و انجام فرایند دادرسی از تسلیم دادخواست و شکوائیه و ابلاغ اوراق قضایی تا رسیدگی به دعوی و دلایل و صدور رأی و اجرای آن است که تلفن همراه، نشانی رایانامه و وبگاه‌های اینترنتی از مهم‌ترین این ابزارها هستند (زرکلام، ۱۳۹۱، ص.۱۳۱). در واقع دادرسی الکترونیکی به معنای استفاده از سیستم الکترونیکی و انجام فعالیت‌ها به روشی غیر از روش سنتی می‌باشد و اصطلاح دادرسی الکترونیکی به نوع متفاوتی از رسیدگی ماهیتی یا به نوع متفاوتی از عدالت اشاره ندارد بلکه منظور توان قضایی متفاوت است که دادگاه‌ها از ابزارهای نوین در رسیدگی خود استفاده می‌کنند (اسمعیلی و پورقهرمانی، ۱۳۹۸، ص.۳۳). در دادرسی الکترونیکی موضوع محور، همه چیز ثبت رایانه‌ای می‌شود و در این معنی، دادرسی الکترونیکی همان داده‌ای کردن اطلاعات کاغذی و شفاهی مرتبط با پرونده است. همچنین در این معنی، در دادگاه‌های الکترونیکی جلسه دادرسی بدون حضور فیزیکی طرفین انجام می‌شود و تمامی مراحل دادرسی بدون نیاز به نسخه فیزیکی پرونده صورت خواهد گرفت (موندزادگان و روستا، ۱۳۹۶، ص.۱۷۲).

۳- دادرسی الکترونیکی دعاوی خانوادگی در پرتو اصول دادرسی خانواده

آیین دادرسی دعاوی خانوادگی اصولاً تابع دادرسی سایر دعاوی مدنی است و از همان اصول و قواعد حاکم تبعیت می‌نماید. با این حال نقش برخی از این اصول در دادرسی خانواده مهم‌تر بوده و مضاعف تلقی می‌گردد. همچنین اصولی چون اصل سرعت و تحصیل دلیل نیز از ویژگی‌های دادرسی خانواده شناخته شده است (صفری، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۸). دادرسی الکترونیکی دعاوی خانوادگی در پرتو این اصول قابل بررسی است و تحلیل موضوع حکایت از این دارد که دادرسی الکترونیکی و اصول یادشده با یکدیگر تعامل داشته و دادرسی الکترونیکی گامی جهت نیل به این اصول محسوب می‌شود:

۳-۱- اصل سرعت

اصل سرعت و فوریت در رسیدگی به دعاوی خانوادگی از آنجا ناشی می‌شود که خانواده نباید در وضعیت تزلزل و بلاتکلیفی باقی بماند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۶؛ قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۷؛ ملک‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۴). طولانی شدن دادرسی به معنای این است که زوجین مدت زمان بیشتری باید در مقابل هم قرار بگیرند و استمرار این «تقابل» در رابطه بین اعضای خانواده مغایر با اصولی همچون اصل تعاون، اصل مودت، اصل معاشرت به معروف، اصل استحکام و اصل وحدت خانواده خواهد بود (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۷-۱۷۴). با عنایت به اینکه یکی از مهم‌ترین آثار دادرسی الکترونیک، رعایت اصل سرعت است؛ لذا کاربست آن در دعاوی خانوادگی موجب رسیدگی سریع‌تر و حل و فصل اختلاف‌های زوجین شده و از تقابل ایشان در برابر یکدیگر جلوگیری می‌نماید. بدین ترتیب، دادرسی الکترونیک در دعاوی خانوادگی را می‌توان مانعی جهت تزلزل بیشتر رابطه زناشویی و بلاتکلیفی ایشان دانست.

۳-۲- اصل تحصیل دلیل

ماده ۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، دادرسی دعاوی خانوادگی را از شمول قاعده منع تحصیل دلیل مستثنی نموده است. مطابق این ماده، دادگاه هرگونه اقدام

تحقیقی در رسیدگی به امور خانوادگی می‌تواند انجام دهد. لازم به ذکر است چون در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ حکم معارضی با ماده یادشده وجود ندارد، لذا مقرر موصوف مصون از نسخ باقی مانده است.

اعمال مقررات دادرسی الکترونیک در دعاوی خانواده از جمله امکان استعلام برخط دادگاه و مشاهده سوابق طرح دعوی و شکایات طرفین و استعلام برخط اصالت اسناد رسمی ابرازی، جملگی در راستای اصل تحصیل دلیل در دعاوی خانوادگی قابل توجیه بوده و گامی در جهت تحقق این اصل محسوب می‌گردد.

۴- نظام حاکم بر دادرسی الکترونیکی دعاوی خانوادگی

قوانین حمایت خانواده و مقررات اختصاصی آنها که در خصوص نحوه رسیدگی محاکم خانواده وضع شده است، تا حدودی نظام دادرسی دعاوی خانوادگی را افتراقی نموده است. باوجوداین، در حقوق ایران، دادرسی دعاوی خانوادگی از نظام افتراقی مطلق پیروی نمی‌کند و اصولاً مقررات قانون آیین دادرسی مدنی بر نحوه رسیدگی دادگاه خانواده حاکم است مگر اینکه حکم خاصی در این خصوص وضع شده باشد.

نخستین قانونی که به‌طورخاص در این زمینه به تصویب رسیده است، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ می‌باشد. پس‌از آن، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ به تصویب رسید و قانون سال ۱۳۴۶ را نسخ نمود. هیچ‌یک از این دو قانون در خصوص استفاده از بستر الکترونیک در دعاوی خانواده حکم خاصی ندارد. لیکن با تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، برای نخستین‌بار بارقه‌های الکترونیکی شدن دادرسی خانواده شکل گرفت. مطابق ماده ۹ این قانون، «تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است، لکن چنانچه طرفین دعوی طرق دیگری از قبیل پست، نامبر، پیام تلفنی و پست الکترونیک را برای این منظور به دادگاه اعلام کنند، دادگاه می‌تواند ابلاغ را به آن طریق انجام دهد. در هر صورت، احراز صحت ابلاغ با دادگاه است».

این ماده صرفاً در خصوص ابلاغ اوراق قضایی محاکم خانواده است و نسبت به دیگر فرایندهای دادرسی دلالتی ندارد. ازسوی‌دیگر، اعمال ماده منوط به درخواست طرفین

دعوی شده است؛ یعنی صرف درخواست یکی از خواهان یا خوانده، برای ترتیب اثر دادن به آن کافی نخواهد بود. وانگهی، اختیار ابلاغ از طرق مقرر در ماده به دادگاه واگذار شده و به عبارت دیگر، با استعمال قید «دادگاه می‌تواند...»، تکلیفی برای دادگاه خانواده مبنی بر کاربست ابزار الکترونیک جهت ابلاغ مقرر نشده است. در نتیجه می‌توان گفت هر چند ماده یادشده گام مناسبی برای الکترونیکی شدن دادرسی خانواده تلقی می‌گردد لیکن عدم جامعیت آن و اختصاص به مقوله ابلاغ، استخراج نظام حاکم بر دادرسی الکترونیکی دعاوی خانواده از ماده موصوف را متعذر ساخته است.

باین‌همه، مقررات عمومی مصوب در زمینه دادرسی الکترونیک در بستر دعاوی خانواده نیز قابل اعمال خواهد بود. برای نخستین‌بار، قانون‌گذار در ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی از قبیل پیام‌نگار، ارتباط تصویری از راه دور، نمایر و تلفن را برای طرح دعوی، ارجاع پرونده، ابلاغ اوراق قضایی و نیابت قضایی بلامانع دانسته است و مطابق تبصره این ماده، شرایط و چگونگی استفاده از این سامانه‌ها بر اساس آیین‌نامه مصوب ریاست قوه قضاییه خواهد بود. این آیین‌نامه در سال ۱۳۹۵ در ۳۲ ماده و ۱۹ تبصره به تصویب رسیده است. عموم ماده موصوف و بند چ ماده ۱ آیین‌نامه که منظور از واحد قضایی را کلیه مراجع قضایی سراسر کشور دانسته است، شامل محاکم خانواده نیز می‌گردد؛ بنابراین، صرف اینکه ماده یادشده در قانون آیین دادرسی کیفری وضع شده، مانع از کاربست آن در دادرسی دعاوی خانوادگی نخواهد بود. از سوی دیگر، ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به امکان استفاده از ویدئو کنفرانس و سامانه‌های مخابراتی ارتباط از راه دور برای تشکیل جلسه دادرسی اشاره دارد که عموم آن شامل محاکم خانواده نیز می‌گردد.

در نتیجه می‌توان گفت هر چند مقررات اختصاصی دادرسی در محاکم خانواده دلالتی بر استفاده از شیوه‌های الکترونیک در این دعاوی ندارد، لیکن نظام عمومی دادرسی الکترونیک در حقوق ایران در دادگاه خانواده نیز قابل اجرا بوده و بنابراین، دادرسی الکترونیکی دعاوی خانوادگی از مقررات عمومی مصوب در این حوزه تبعیت می‌نماید.

۵- کاربست دادرسی الکترونیکی در دعاوی خانوادگی

اجرای مقررات دادرسی الکترونیکی در دعاوی خانوادگی، از مقطع ثبت دادخواست و سپس ارجاع آن آغاز شده و با ابلاغ و تشکیل جلسه دادرسی و اخذ اظهارات شهود و استعلام‌ها ادامه یافته و با مرحله اجرای احکام ختم می‌گردد که در ادامه به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

۵-۱- ثبت دادخواست

مطابق ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، شرط نخستین رسیدگی محاکم خانواده، تقدیم دادخواست می‌باشد. ثبت دادخواست به نحو الکترونیکی اشخاص را بی‌نیاز از مراجعه حضوری به دادگستری می‌نماید و از این حیث، امکان ثبت دادخواست و شکایات به نحو الکترونیک در راستای اصل دسترسی به دادگستری نیز توجیه می‌گردد. مطابق ماده ۵ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵، مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه مکلف شده تا امکان ثبت دادخواست و شکایات را از طریق سامانه خدمات الکترونیک قضایی فراهم نماید و مطابق ماده ۶ مقرر مذکور، واحدهای قضایی موظفند به شکایات و دعاوی مطروحه که از طریق این سامانه به سامانه مدیریت پرونده قضایی ارسال می‌گردد، رسیدگی کنند. عدم رسیدگی به شکایات و دعاوی که از این طریق ارسال می‌گردد، استنکاف از رسیدگی محسوب می‌شود.

در این راستا، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی دفاتر و کانون خدمات الکترونیک قضایی مصوب ۱۴۰۱ رئیس قوه قضائیه، مقرر می‌دارد: «اشخاص حقیقی یا حقوقی جهت طرح و پیگیری دعاوی و شکایات و سایر امور قضایی، از طریق «دفاتر خدمات قضایی» یا «درگاه خدمات قضایی» و با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی و مخابراتی اقدام می‌نمایند. در روش اقدام از طریق درگاه، خواهان دادخواست خود را به همراه مستندات مربوطه، به صورت سند الکترونیکی تبدیل نموده و پس از محاسبه هزینه دادرسی توسط سامانه و پرداخت الکترونیک آن، کد رهگیری را اخذ و با همراه داشتن اصل مستندات، به دفتر خدمات الکترونیک قضایی مراجعه می‌نماید. این دفتر پس از تأیید مطابقت اسناد الکترونیکی

تهیه شده با اوراق ابرازی از سوی متقاضی، آن را از طریق سامانه خدمات قضایی به مرجع ذی ربط ارسال می‌نماید (ماده ۵ آیین‌نامه اخیرالذکر)، اما در روش اقدام از طریق دفتر، خواهان دادخواست خود را به همراه مستندات آن به دفتر تحویل می‌دهد. دفتر پس از احراز هویت و محاسبه هزینه دادرسی از طریق سامانه و پرداخت الکترونیک آن، اسناد یادشده را به سند الکترونیکی تبدیل کرده و به رویت متقاضی می‌رساند و پس از تأیید مطابقت اسناد الکترونیکی تهیه شده با اوراق ابرازی از سوی وی، آن را از طریق سامانه خدمات قضایی به مرجع ذی ربط ارسال می‌نماید (ماده ۶ آیین‌نامه اخیرالذکر).

۵-۲- ارجاع

هرچند اصطلاح ارجاع در موارد متعدد در قوانین مربوط به دادرسی استعمال شده است، لیکن مقنن تعریفی از آن ارائه نکرده است. برخی اساتید ارجاع را عملی دانسته که نیاز به استدلال نداشته و قابل شکایت نیز نمی‌باشد و اضافه کرده‌اند که در حقوق فرانسه نیز این عمل در زمره «ترتیبات اداره قضایی» بوده و مستلزم استدلال و قابل شکایت نمی‌باشد (شمس، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۶).

هرچند ارجاع در تقسیم‌های مربوط به تصمیم‌های قضایی مشتمل بر حکم، قرار و دستور جای نمی‌گیرد و بنابراین نیازی به مستند و مستدل بودن آن نمی‌باشد، اما با مذاقه در قوانین و مقررات حاکم بر این مقطع از رسیدگی، می‌توان به این نتیجه دست یافت که ارجاع دادخواست تابع اصولی چون «فوریت»، «ترتیب»، «تخصّص» و «قابل عدول نبودن» می‌باشد؛ بنابراین تمهید شیوه الکترونیکی ارجاع دادخواست نیز باید تأمین‌کننده رعایت اصول یادشده باشد.

فصل سوم آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵ به مقوله ارجاع اختصاص یافته و ماده ۸ این آیین‌نامه، به رعایت سه اصل فوریت، ترتیب و تخصّص توسط مقام ارجاع اشعار دارد. اصل قابل عدول نبودن نیز از ماده ۳۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ قابل استخراج است.

در شیوه سنتی ارجاع، اوراق دادخواست به صورت فیزیکی به نظر مقام ارجاع رسیده و به یکی از شعب ارجاع داده می‌شود، اما در شیوه الکترونیکی، این اقدام در بستر

سامانه رایانه‌ای صورت می‌پذیرد و صرفاً صورت الکترونیکی ارجاع در ذیل برگ دادخواست همراه با امضای مقام ارجاع چاپ می‌شود و مطابق ماده ۳ آیین‌نامه یادشده، این صورت برای ادامه رسیدگی کافی بوده و نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به آثار قانونی آن خودداری کرد.

شیوه الکترونیکی ارجاع را می‌توان به ارجاع «خودکار» و «نیمه‌خودکار» تقسیم کرد. تبصره ماده ۸ آیین‌نامه در این خصوص مقرر داشته است: «مرکز موظف است به تدریج امکان ارجاع خودکار پرونده را بر اساس نوع و تعداد پرونده‌ها و موجودی شعب و تخصص قضات فراهم نماید». در ارجاع خودکار، عمل مقام انسانی حذف و دادخواست با در نظر گرفتن داده‌های موجود در سامانه از قبیل موجودی شعب و تخصص آنها توسط سامانه صورت می‌پذیرد. این شیوه، با تحلیلی که از ماهیت عمل ارجاع و بی‌نیاز بودن آن از استدلال و غیرقابل شکایت بودن آن ارائه شد، همخوانی دارد، اما در ارجاع نیمه‌خودکار، اطلاعات شعب شامل موجودی و تخصص به صورت خودکار به مقام ارجاع ارائه شده و ارجاع آن به یکی از شعب پیشنهاد می‌شود، ولی در نهایت انتخاب گزینه با مقام انسانی خواهد بود.

در حال حاضر، ارجاع دادخواست‌ها در محاکم خانواده به صورت الکترونیکی لیکن با انتخاب مقام ارجاع می‌باشد و عموم ماده ۸ آیین‌نامه شامل دادگاه خانواده نیز می‌گردد. همچنین باید اضافه داشت هرچند دادگاه خانواده در عداد دادگاه‌های اختصاصی قرار دارد لیکن ماهیت اختصاصی آن مانع از ایجاد «صلاحیت تخصصی» برای شعب دادگاه خانواده نخواهد بود. به عبارت دیگر، مقام ارجاع می‌تواند با توجه به تجربه و تخصص قضات دادگاه خانواده، در یک تقسیم کار داخلی، برخی شعب را مأمور رسیدگی به دعاوی خاصی از موارد صلاحیت دادگاه خانواده نماید بدون اینکه این امر مانع از رسیدگی به سایر دعاوی گردد؛ برای مثال، رسیدگی به امور حسبی در صلاحیت دادگاه خانواده را می‌توان اختصاص به شعب خاصی از این دادگاه نمود؛ امری که امروزه در شهرهای بزرگ مثل تهران با تشکیل مجتمع قضایی سرپرستی یا ویژه امور حسبی، صورت پذیرفته است. همچنین رسیدگی به دعاوی مانند اثبات نسب یا نفی آن و همچنین

دعاوی مربوط به تنفیذ آرای محاکم خارجی از اموری است که نیاز به تجرّ جداگانه قضات خانواده دارد؛ بنابراین اصل رعایت تخصّص در مقطع ارجاع، در دادگاه خانواده نیز قابل اعمال خواهد بود.

۵-۳- ابلاغ

الکترونیکی شدن مسئله ابلاغ در دادرسی دعاوی خانوادگی، یک گام جلوتر از سایر مقررات موضوعه بوده است. برای نخستین بار، ماده ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در این خصوص مقرر داشته است: «تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است، لکن چنانچه طرفین دعوی طرق دیگری از قبیل پست، نامبر، پیام تلفنی و پست الکترونیک را برای این منظور به دادگاه اعلام کنند، دادگاه می‌تواند ابلاغ را به آن طریق انجام دهد. در هر صورت، احراز صحت ابلاغ با دادگاه است». با این حال، اعمال این ماده منوط به درخواست طرفین دعوی شده است؛ یعنی صرف درخواست یکی از خواهان یا خوانده، برای ترتیب اثر دادن به آن کافی نخواهد بود. وانگهی، اختیار ابلاغ از طرق مقرر در ماده به دادگاه واگذار شده و به عبارت دیگر، با استعمال قید «دادگاه می‌تواند...»، تکلیفی برای دادگاه خانواده مبنی بر کاربست ابزار الکترونیک جهت ابلاغ مقرر نشده است.

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده ۱۷۵ این قانون استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را برای ابلاغ اوراق قضایی کافی دانسته و تبصره این ماده شرایط و ترتیب امر را به تصویب آیین‌نامه رئیس قوه قضائیه موکول نموده است. مطابق بند ح ماده ۱ این آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، سامانه ابلاغ عبارت از «سامانه‌ای الکترونیکی است که بر بستر شبکه قابل دسترسی و استفاده برای طرفین دعوا یا نماینده قانونی آنان، دفاتر خدمات قضایی، کارشناسان، ضابطان قضایی و سایر اشخاص مرتبط جهت ابلاغ اوراق قضایی و نشر آگهی به صورت الکترونیکی است»، تعریف شده است. همچنین مطابق بند ز این ماده، ابلاغ الکترونیکی به «ارسال الکترونیکی اوراق قضایی و آگهی‌ها از طریق سامانه ابلاغ» تعریف شده است. فصل چهارم این آیین‌نامه به ابلاغ

الکترونیکی اختصاص یافته و مطابق تبصره ماده ۹ این فصل، «پس از دریافت حساب کاربری از طریق سامانه ثنا، در تمام مواردی که نیاز به ابلاغ باشد از این نشانی استفاده می‌شود.» در خصوص تشخیص انواع ابلاغ اعم از قانون و واقعی ماده ۱۳ این آیین‌نامه چنین مقرر داشته است: «وصول الکترونیکی اوراق قضایی به حساب کاربری مخاطب در سامانه ابلاغ، ابلاغ محسوب می‌شود. رؤیت اوراق قضایی در سامانه ابلاغ، با ثبت زمان و سایر جزئیات، ذخیره می‌شود و کلیه آثار ابلاغ واقعی بر آن مترتب می‌گردد. ورود به سامانه ابلاغ از طریق حساب کاربری و رؤیت اوراق از این طریق به منزله رسید است؛ بنابراین می‌توان گفت در حال حاضر مسئله ابلاغ در دادرسی دعاوی خانوادگی از مقررات یادشده تبعیت می‌نماید و در این زمینه، دادرسی الکترونیکی به نحو کامل تدبیر شده و جز در مواردی که شخص فاقد سامانه ثنا باشد، ابلاغ به صورت الکترونیکی صورت خواهد گرفت که این امر به تسریع رسیدگی به دعاوی خانوادگی کمک خواهد کرد.

۵-۴- تشکیل جلسه دادرسی

صلاحیت دادگاه خانواده در رسیدگی به امور حسبی و ترافعی، آیین دادرسی حاکم بر آن را شناور ساخته است. در امور حسبی، آیین رسیدگی از اصول حاکم بر دادرسی ترافعی تبعیت نمی‌نماید. ماده ۲ قانون امور حسبی، رسیدگی به این امور را تابع خود دانسته و بدین ترتیب، نظام رسیدگی افتراقی را ایجاد کرده است و با این وصف، صرفاً در موارد سکوت می‌توان به قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه نمود (کامپی، ۱۳۹۸، صص. ۱۳۰-۱۳۱). اما رسیدگی به امور ترافعی دادگاه خانواده، تابع قانون آیین دادرسی مدنی بوده و مطابق ماده ۶۴ آن، تشکیل جلسه دادرسی از الزام‌های رسیدگی به دعاوی دانسته شده است. هرچند مطابق ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، دادگاه خانواده از تشریفات مربوط به دادرسی معاف شناخته شده است، لیکن تشکیل جلسه دادرسی در امور ترافعی که لازمه رعایت اصل تناظر می‌باشد، در زمره تشریفات نبوده و از اصول دادرسی مدنی محسوب می‌گردد (مافی و غمیویی، ۱۳۹۸، ص. ۲۷۹).

تشکیل جلسه دادرسی به نحو الکترونیکی منافاتی با رعایت اصل تناظر ندارد. اظهارات و دفاعیات طرفین با ابلاغ قبلی، در بستر سامانه مخابراتی استماع می‌شود و چنانچه

ارائه سند یا مدرکی لازم باشد، در همین بستر قابل اعمال خواهد بود. با وجود این، مقررات آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵ تشکیل جلسه دادرسی در بستر سامانه مخابراتی را پیش‌بینی ننموده است. ماده ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز صرفاً مربوط به نحوه ابلاغ بوده و دلالتی بر تشکیل نشست دادرسی به صورت الکترونیکی ندارد. در ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز از تشکیل جلسه دادرسی به‌نحو الکترونیکی سخن نگفته شده است. با این همه، مطابق ماده ۶۵۹ قانون اخیرالذکر، «به‌کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا نظرات کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد مورد نظر و ثبت مطمئن سوابق صورت پذیرد». هرچند ماده موصوف در قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است، لیکن مانع اعمال آن در دعاوی حقوقی و مدنی نخواهد بود؛ زیرا اولاً ماده یادشده اطلاق دارد و اطلاق آن دادرسی خانواده را نیز شامل می‌شود؛ ثانیاً ماده ۶۵۵ قانون مذکور که در مقام اعتباربخشی به صورت و محتوای الکترونیکی می‌باشد، صراحتاً به دادرسی حقوقی اشاره داشته است. دراین‌رستا، «دستورالعمل نحوه تحقیق و رسیدگی با استفاده از سامانه‌های ارتباط الکترونیک» به شماره ۱۰۰/۳۳۷/۹۰۰۰ - ۰۸/۰۱/۱۴۰۰ در ۳۹ ماده و ۸ تبصره به تصویب ریاست قوه قضائیه رسیده و به کلیه مراجع قضایی ابلاغ شده و در بند ج ماده ۱ این دستورالعمل، مرجع قضایی به هر مرجعی که به امور قضایی اشتغال دارد تعریف گردیده و مقرر شده انحصاری به دادرسی کیفری ندارد. در نتیجه می‌توان گفت در حال حاضر تشکیل جلسه دادرسی الکترونیکی در محاکم خانواده به استناد ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و دستورالعمل نحوه تحقیق و رسیدگی با استفاده از سامانه‌های ارتباط الکترونیک ممکن خواهد بود. دستورالعمل مذکور از حیث نحوه ارتباط از راه دور و سایر ارتباطی محدودیتی ایجاد نکرده است، اما همواره هویت طرفین دعوی و اعتبار اظهارات ایشان باید توسط قاضی دادگاه خانواده احراز گردد.

۵-۵- دسترسی به پرونده قضایی

هرچند قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ و قوانین حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱ حکمی در خصوص امکان دسترسی اصحاب دعوی به اوراق و محتویات پرونده قضایی ندارد، اما دسترسی ایشان به پرونده قضایی از لوازم حقوق دفاعی ایشان و اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی محسوب می‌گردد. دسترسی الکترونیک به پرونده قضایی به معنای بی‌نیازی از حضور فیزیکی در دادگاه و مطالعه اوراق پرونده است. در این شیوه، خواهان یا خوانده می‌تواند با مراجعه به حساب کاربری خود در بستر الکترونیکی به گردش کار پرونده دسترسی پیدا کرده و از آخرین وضعیت پرونده خود مطلع شود. همچنین در یک معنای پیشرفته‌تر، اخذ نسخه‌ای از اوراق و صورتجلسه‌های دادرسی و پاسخ استعلام‌ها در بستر الکترونیکی قابل تصور خواهد بود. ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی دفاتر و کانون خدمات الکترونیک قضایی مصوب ۱۴۰۱ رئیس قوه قضائیه، به «پیگیری پرونده» توسط طرفین یا وکلای ایشان به نحو الکترونیکی تصریح داشته است که می‌تواند گونه‌ای از دسترسی به پرونده قضایی تلقی گردد. هرچند ماده یادشده در خصوص دادرسی کیفری می‌باشد، لیکن با الغای خصوصیت می‌توان مدلول آن را به دادرسی دعاوی خانوادگی نیز گسترش داد؛ زیرا اگر در دادرسی کیفری که اصل بر محرمانه بودن دادرسی قرار دارد، اشخاص بتوانند به صورت الکترونیکی از روند کار پرونده خود مطلع شوند، در دادرسی خانوادگی به طریق اولی این امکان وجود خواهد داشت. لازم به ذکر است در حال حاضر، قوه قضائیه با تمهید سامانه «عدل ایران» این امکان را برای اشخاص پرونده ایجاد نموده تا با ورود به حساب کاربری خود از آخرین روند پرونده مطلع شوند؛ لیکن اولاً این دسترسی محدود به اطلاع از گردش کار پرونده است و امکان بارگیری داده‌های پرونده قضایی وجود ندارد. ثانیاً مستندات قانونی گفته شده در خصوص دعاوی خانوادگی از قوت کافی برخوردار نبوده و به نظر می‌رسد در این زمینه، نیاز به وضع مقررات روشن و صریح می‌باشد.

۵-۶- اخذ اظهارات شهود

گفته شد که ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری در دعاوی خانوادگی نیز قابل استناد

می‌باشد. یکی از مواردی که این ماده مقرر داشته است، اخذ شهادت شهود با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی است. در این صورت صرفاً احراز هویت شاهد و اعتبار اظهارات وی باید مورد توجه مقام قضایی قرار گیرد. همچنین در این خصوص دستورالعمل نحوه تحقیق و رسیدگی با استفاده از سامانه‌های ارتباط الکترونیک مصوب ۱۴۰۰ رئیس قوه قضائیه برای محاکم خانواده قابل استناد خواهد بود. در نتیجه، در حال حاضر مستند قانونی کافی برای اخذ اظهارات شهود به‌نحو الکترونیکی در دادرسی دعاوی خانوادگی وجود دارد.

۵-۷- استعلام‌های قضایی

از جمله مواردی که الکترونیکی شدن آن به تسریع فرایند دادرسی کمک می‌نماید، استعلام‌های قضایی محاکم از مراجع مختلف است. همچنین، الکترونیکی شدن استعلام‌های قضایی به این معنا که نامه صادره و نامه واصله هر دو در بستر ارتباطات دولت الکترونیک ارسال و دریافت شوند، به جلوگیری از جعل و تخدیش اصالت و صحت مکاتبات اداری کمک خواهد کرد. الکترونیکی شدن استعلام‌های قضایی دادگاه خانواده، علاوه بر اصل سرعت در دادرسی دعاوی خانوادگی، در پرتو اصل تحصیل دلیل نیز قابل توجه می‌باشد. دادگاه خانواده ممکن است برای احراز اصالت اسناد رسمی ابرازی از سوی طرفین دعوی و همچنین اطلاع از وضعیت مالی مدعی اعسار نیاز به استعلام داشته باشد. در حال حاضر، دستورالعمل نحوه بهره‌برداری از سامانه هوشمند استعلام‌های مالی قوه قضائیه مصوب ۱۴۰۰ رئیس قوه قضائیه، در خصوص استعلام‌های مالی به‌ویژه در دعوی اعسار در محاکم خانواده قابل استناد می‌باشد. همچنین ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۴۰۰ در این خصوص مقرر می‌دارد: «جهت تسریع و تسهیل اجرای ماده ۱۹ قانون، مرجع اجراکننده، اعم از مراجع قضایی و ثبتی باید هرگونه مکاتبه با بانک مرکزی و سایر مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در خصوص اموال محکوم علیه دارند، جهت اخذ اطلاعات اموال و حساب اشخاص به منظور انسداد حساب یا رفع انسداد را از طریق سامانه الکترونیکی قوه قضائیه انجام دهند و در صورت عدم امکان استفاده از سامانه

مزبور، مراتب از طریق غیرالکترونیکی انجام می‌شود». مطابق ماده ۷ آیین‌نامه مذکور نیز: «مرکز آمار و فناوری اطلاعات موظف است با همکاری مراجعی که اطلاعات مورد نیاز برای اجرای مقررات قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی را در اختیار دارند، امکان انجام الکترونیک استعلام‌ها و مکاتبه‌های مراجع قضایی را فراهم نماید».

۵-۸- اجرای احکام

هرچند صدور حکم و فراغت دادرس از دادرسی را می‌توان نقطه پایان فرایند دادرسی دانست، لیکن در یک معنای کلی، مرحله اجرای احکام نیز در فرایند دادرسی قابل مطالعه است. یکی از بسترهای مهم اجرای مقررات دادرسی الکترونیک که منتهی به تسریع و سهولت اجرای حکم و وصول محکوم‌به می‌گردد، مرحله اجرای احکام است. درخصوص اجرای الکترونیک احکام، مقررات ویژه‌ای به تصویب نرسیده و عموماً مقررات دادرسی الکترونیکی قابل استناد است. باوجوداین، چنان‌که گفته شد، مواد ۶ و ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۴۰۰ درخصوص نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، به لزوم الکترونیکی بودن استعلام‌ها و مکاتبه‌های قضایی تصریح دارد و با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از احکام دادگاه خانواده ناظر بر محکومیت مالی مثل مهریه، نفقه، اجرت‌المثل و غیره می‌باشد، مواد مذکور در اجرای احکام آرای دادگاه‌های خانواده نقش مهمی را ایفا می‌نماید.

افزون‌براین، بخش قابل توجهی از نظام اجرایی آرای دادگاه خانواده توسط دفاتر رسمی ازدواج و طلاق صورت می‌گیرد. دراین خصوص، مطابق ماده ۱۸ نظام‌نامه دفاتر ازدواج و طلاق مصوب ۱۴۰۱/۰۲/۱۰ رئیس قوه قضائیه، ارائه کلیه خدمات در دفترخانه باید به صورت الکترونیکی انجام پذیرد. مطابق ماده ۲۰ همین مقرره: «درج شماره ملی، کد پستی، آدرس محل اقامت و حتی‌الامکان شماره تلفن همراه یا آدرس پست الکترونیکی اصحاب سند در کلیه اسناد الزامی است. هرگونه ابلاغ به اصحاب سند به صورت الکترونیکی از طریق سامانه ابلاغ قوه قضائیه انجام می‌شود...». ماده ۲۱ نیز مقرر می‌دارد: «ظرف مدت سه ماه پس از تاریخ تصویب این نظام‌نامه، ارائه هرگونه خدمت در دفاتر رسمی ثبت ازدواج و طلاق به صورت الکترونیکی بوده و مستلزم ثبت نام متقاضی

در سامانه ثبت نام الکترونیکی (ثنا) و اخذ تصدیق الکترونیکی است». برابر ماده ۲۲ نظام‌نامه: «نحوه ثبت وقایع ازدواج، طلاق و امور مربوط در دفتر الکترونیک و نظارت بر آن مطابق شیوه‌نامه بهره‌برداری از دفتر الکترونیک ثبت وقایع ازدواج و طلاق مصوب سازمان می‌باشد». نیز مطابق ماده ۲۳ این مقرر: «سردفتر مکلف است در محل دفترخانه و همزمان با اخذ امضای هر یک از اصحاب سند در نسخه پشتیبان از طریق سامانه نسبت به اخذ اثر انگشت آنها در دفتر الکترونیک اقدام و سپس با امضای الکترونیک و اثر انگشت خود ثبت را تأیید نموده و نسخه نهایی سند را چاپ و پس از امضاء به مهر دفترخانه ممهور با اخذ رسید تحویل ذینفع نماید».

با بررسی مقررات مذکور می‌توان گفت در حال حاضر نظام اجرایی آرای دادگاه خانواده در حوزه دفاتر ازدواج و طلاق، به صورت کامل الکترونیکی شده و اساساً با الکترونیکی شدن دفاتر ازدواج و طلاق و تبدیل دفاتر سنتی به داده‌های الکترونیکی، موجبی برای ثبت وقایع نکاح و طلاق به شیوه سنتی و کاغذی وجود ندارد و از این حیث، نظام حقوقی ایران در حوزه اجرای الکترونیکی آرای محاکم خانواده در وضعیت مطلوبی به سر می‌برد.

نتیجه‌گیری

دادرسی الکترونیکی در یک تعریف مختصر، به استفاده از ابزارها و روش‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای طرح دعوی و انجام فرایند دادرسی از تقدیم دادخواست، ابلاغ اوراق قضایی تا رسیدگی به دعوی و دلایل، صدور رأی و اجرای آن تعریف شده است. تسریع در رسیدگی و رفع اطاله دادرسی، ایجاد دسترسی همگانی به دادرسی، کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت رسیدگی از مهم‌ترین دستاوردهای دادرسی الکترونیکی بوده است. بر این اساس، امروزه بیشتر نظام‌های حقوقی در پی وضع قوانین و مقرراتی در راستای تحقق دادرسی الکترونیکی می‌باشند و در این میان، دعاوی خانوادگی نیز از این وضع بی‌بهره نبوده است. اصولی چون اصل سرعت، اصل تحصیل دلیل و اصل سازش در دعاوی خانوادگی، اهمیت کاربست شیوه‌های رسیدگی الکترونیک در محاکم خانواده را

دوچندان می‌سازد. هر چند در حقوق ایران، نظام دادرسی افتراقی برای دعاوی خانوادگی پیش‌بینی نشده است، لیکن قوانین و مقررات عمومی مربوط به دادرسی الکترونیکی مشتمل بر ثبت دادخواست، ارجاع، ابلاغ اوراق قضایی، تشکیل جلسه دادرسی، دسترسی به پرونده قضایی، اخذ اظهارات شهود، استعلام‌های قضایی و اجرای احکام، علی‌الاصول در فرایند رسیدگی به دعاوی خانوادگی نیز قابل اجرا بوده و به‌طورکلی در وضعیت حاضر، دادرسی محاکم خانواده را از بین سه سیستم سنتی، نیمه‌الکترونیک و الکترونیک می‌توان در دسته دوم جای داد.

منابع و مأخذ

- اسمعیلی، اکبر و بابک پورقهرمانی (۱۳۹۸)، چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیک در ایران، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، دوره ۲۴، شماره ۸۷، صص ۲۹-۵۹.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰)، *حقوق زن و خانواده*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زرکلام، ستار (۱۳۹۱)، *دادرسی‌های الکترونیکی؛ ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌ها*، *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره سوم، صص ۱۲۹-۱۵۰.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۱)، *آیین دادرسی مدنی*، جلد ۱ و ۲، تهران: دراک.
- صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۷۶)، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- صفری، ناهید (۱۳۹۸)، *آیین دادرسی دعاوی خانوادگی در قانون جدید حمایت خانواده از منظر اصول خاص حاکم بر این دعاوی*، *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، دوره ۲۴، شماره ۷۰، صص ۱۴۱-۱۶۹.
- عمید، حسن (۱۳۹۲)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی و محسنی، سعید (۱۳۹۴)، *نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در زمینه مقررات شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی*، *پژوهش‌نامه زنان*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۳۹.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، *اثبات و دلیل اثبات*، تهران: میزان.
کاظمی، سیدمهدی (۱۳۹۸)، *قانون حاکم بر آیین رسیدگی به پرونده‌های حجر، نخستین کنگره ملی چالش‌های حقوقی و قضایی بیماران روان‌پزشکی*، تیرماه، صص ۱۳۰-۱۳۱.
مافی، همایون و غمیلویی، محمد (۱۳۹۸)، *مفهوم و ضمانت اجرای «اصول دادرسی» در آیین دادرسی مدنی، فصلنامه تخصصی دانشنامه‌های حقوقی*، دوره ۳، شماره ۳، صص ۲۶۷-۲۹۳.

متین‌دفتری، احمد (۱۳۷۸)، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، تهران: مجد.
ملکزاده، فهیمه (۱۳۹۵)، *آیین دادرسی خانواده*، تهران: مجد.
مؤذن‌زادگان، حسنعلی و روستا، نرجس (۱۳۹۶)، *دادرسی الکترونیکی در رویارویی با جرایم رایانه‌ای: چالش‌ها و بایسته‌ها*، *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۸۱، شماره ۱۰۰، ۱۶۹-۱۹۵.

واحدی، قدرت‌الله (۱۳۸۷)، *آیین دادرسی مدنی: با لحاظ قوانین جدید*، ج ۱، دادگستر و میزان.

هدایت‌نیا، فرج‌اله (۱۳۹۵)، *حقوق خانواده: چالش‌ها و راهکارها*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.